

بررسی شبهه عدم احتجاج امیرالمومنین ع به حدیث غدیر

ساجده بانو محمدی^۱

چکیده:

غدیر از اصلی ترین دلایل شیعه برای اثبات ولایت امیرالمومنین علیه السلام و واقعیتی انکار ناپذیر در تاریخ اسلام است که هیچگاه فراموش نخواهد شد. با این وجود برخی از دشمنان اهل بیت و مخالفان ولایت امیرالمومنین به انکار این واقعه می پردازند و علی رغم این که حدیث غدیر متواتر است، این حدیث و دلالت آن بر امامت را انکار می کنند. از مهم ترین دلایل این معاندان، ادعای عدم احتجاج امیرالمومنین به حدیث غدیر است. بررسی این ادعا و صحت آن با مراجعه به منابع اصلی شیعه و سنی غدیر در این مقاله مورد بحث قرار می گیرد. نتیجه آن که براساس منابع معتبر از علمای شیعه و سنی، امام علی علیه السلام از آغازین روزهای خلافت ابوبکر در کنار شمردن امتیازاتی که ایشان را مستحق خلافت می کرد با مساله غدیر استدلال و استشهاد نمود. این کار امام هم در مواجهه با ابوبکر و هم پس از او در عصر دیگر خلفا و حتی پس از به دست گرفتن خلافت ادامه داشت و ایشان همواره در مواضع مختلف، بر وقوع غدیر و انتخاب خود توسط پیامبر صلی الله علیه و آله برای احراز مقام خلافت اسلامی احتجاج و استدلال می کرد و ادعای عدم احتجاج امیرالمومنین به حدیث غدیر، قابل پذیرش نیست.

کلیدواژه ها: غدیر، حدیث غدیر، احتجاج امیرالمومنین، استشهادات امیرالمومنین.

^۱ .طلبه کارشناسی علوم قرآن و حدیث جامعه المصطفی واحد آشتیان، کد ۱۵۹۷۷۰۵

مقدمه:

بر اساس روایت منابع اسلامی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در بازگشت از آخرین حج خود همه مسلمانی را که در حج شرکت داشتند در غدیر خم جمع و خطبه ای ایراد کرد که عبارت معروف « من کنت مولاه فهذا علی مولا» در آن به حدیث غدیر مشهور شد. حدیث غدیر یکی از عنوان مهم ترین نصوص امامت امیرالمومنین علیه السلام بوده و از دیرباز محل بحث و نظر علما بوده است. اهل سنت در مواجهه با این حدیث، دو رویکرد مختلف را در پیش گرفته اند، عده ای اندک، اصل حدیث را انکار کرده اند و عده ای دیگر که جمهور اهل سنت را تشکیل می دهند با پذیرش صدور حدیث، دلالت این حدیث بر امامت را امری نادرست می پندارند، در این میان، احتجاج نکردن امیرالمومنین علیه السلام به حدیث غدیر را به عنوان یکی از دلایل عدم دلالت حدیث بر امامت مطرح کرده اند و مفاد روایت را در ارتباط با امر امامت نمی بینند. این مقاله بعد از تبیین این شبهه و معرفی قائلان آن، با ارایه دلایلی از منابع و نظر علما صحت این شبهه را بررسی می نماید.

واژه شناسی

۱. حدیث غدیر:

غدیر خم، غدیر گودال آب است که بعد از گذاشتن سیل بر جای می ماند و به ذودی خشک می شود فعل به معنی مفعول است یعنی هر جای مانند، (مغدور) یا فعل به معنی فاعل است یعنی حمایت کننده (غادر و غدار) چون در وقت حاجت خشک می شود و به تشنگان خیانت می کند. غدیر خم واحه یی در سه میلی جحفه است که قبایل خزاعه و کنانه در زمان جاهلیت در آن جا منزل می کردند. خم به معنی بدبوست، گویند هوای غدیر خم آن قدر ناسازگار است که هیچ کودکی در آن تا سن بلوغ ندیده نمی ماند مگر آن

که به جایی دیگر برود. جحفه بر وزن غرفه آبادی است در اراضی ساحلی حجاز در جنوب شرقی رایغ بین مکه و مدینه (بین خلیص و بدر) که به بدی آب و هوا شهرت دارد. این محل، میقات حاجیان شام و مصر و عراق بود که از راه دریا به حجاز می رسیدند ولی امروز متروک است و حاجیان در منزل رایغ احرام می بندد.^۱

۲. احتجاج:

احتجاج در لغت به معنای اقامه حجت بر مدعاست که با آن دشمن دفع می شود.^۲ در قرآن کریم در چندین جا کلمه «حجّه» ذکر شده است:

۱. قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ^۳؛ بگو خدای راست بر شما حجتی رسا و تمام که قطع اعدا و شبهات کند.

مقصود از حجت در این آیه، برهان است بر نفی قول جبریان، گفتند: اگر خدا می خواست ما و پدران ما مشرک نمی شدیم و چیزی را بی دستور او حرام نمی کردیم. خداوند بر آنها حجت آورد که شما بر مدعای خویش دلیل ندارید چیزی به گمان و پندار خویش می گوئید برای آنکه بر خدای حکم حجت تمام کنید و بهانه در کفر و معصیت خویش بیاورید، اما حجت خدا بر شما تمام است چون کسی را که مختار نباشد، عذاب نمی کند. خداوند تعالی می تواند به جبر مردم را بکار دارد اما نمی خواهد. او مانند سلطان قاهری است که رعیت خویش را آزاد گذارده است، اگر جبر می خواست مردم را مجبور به طاعت و ایمان می کرد نه به کفر و عصیان.

^۱ الفیروز آبادی، مجدالدین، کتاب القاموس المحيط، ج ۴، ص ۱۰

^۲ ابن منظور، محمدبن مکرّم، لسان العرب، ج ۲، ص ۲۲۸

^۳ سوره انعام/آیه ۱۴۹

۲. لَيْتًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ؛^۱ خداوند پیغمبران فرستاد مژده دهنده و بیم کننده تا مردم را پس از فرستادن پیغمبران بر خدای حجت نباشد.

حجت آن است که مردم در قیامت با خدای گویند ما نمی دانستیم دین و شریعت چیست و خبر نداشتیم که اگر کسی مخالفت فرمان کند معذب خواهد شد یا اگر فرمان برد در نعیم ابد خواهد بود. از این جهت خداوند پیغمبران فرستاد تا مردم نتواند بر خدای تعالی حجت آورند و این نیز دلیل بطلان جبر و اثبات عدل خداست.

۳. وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ؛ خداوند به حضرت ابراهیم علیه السلام برهان آموخت که با مشرکهن زمان خویش احتجاج کند.^۲

۴. وَالَّذِينَ يَحْتَجُونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا اسْتُجِيبَ لَهُ حُجَّتُهُمْ دَاحِضَةٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ؛ چون یک بار حجت آوردند و حق ثابت گردید، اگر باز کسی مجادله کند گفتارش پذیرفته نیست و حجتش باطل است.^۳

مثلا به اعجاز قرآن و اخبار غیب آن دانستیم کلام خداست و کسی مانند او نیاورده است. اگر ندانیم آیات متشابهه آن برای چیست یا مناسبت میان آیات را ندانیم، یقین ما شکسته نمی شود. یا وقتی ما از رؤیای صادقه دانستیم عالمی غیر از عالم محسوس موجود است که در آنجا مجردات غیبی از آینده آگاهند، اگر کسی شبهه نماید که مجردات عالم غیب معقول نیست از او پذیرفته نمی شود. یا وقتی به آثار حکمت و مصالح و آثار عجیبه هر چیز دانستیم خالق عالم با شعور و اراده است، شبهه آنکه شرور و بلاهای آسمانی و زمینی مانند زلزله و قحط و وبا و امثال آن برای چیست قابل اعتنا نیست. مثل آنکه می دانیم

^۱سوره نساء/آیه ۱۶۵

^۲سوره انعام/آیه ۸۳

^۳سوره شوری/آیه ۱۶

آتش می سوزاند اما اگر دیدیم کسی آتش در دست می گیرد و نمی سوزد در سوزاندن آتش شک نمی کنیم هر چند علت نسوختن آن کس را ندانیم.^۱

تبیین شبهه عدم احتجاج امیرالمومنین علیه السلام به حدیث غدیر

برخی از منکران حدیث غدیر برای اثبات ادعای خود مدعی هستند که اگر دلالت حدیث غدیر بر امامت امام علی علیه السلام صحیح بود، باید امام علی علیه السلام بوسیله آن بر مخالفان خود احتجاج میکردند. از آنجا که احتجاجی صورت نگرفته است، پس حدیث غدیر دلالتی بر ولایت امام علی علیه السلام ندارد. تفتازانی و محمدبن عبدالوهاب، بنیانگذار وهابیت از مشهورترین ارائه کنندگان این شبهه بوده اند.

۱. تبیین شبهه توسط محمد بن عبدالله الوهاب التیمی:

محمد بن عبدالوهاب تیمی (۱۰۸۲-۱۱۷۰ هجری خورشیدی) بنیانگذار دیدگاه جدیدی در مذهب سنی حنبلی است که بعدها به نام وهابیت در میان مسلمانان و علمای سنی عربستان ریشه گرفت. او آثار زیادی در تبیین نظریه خود نوشته است که از آن جمله می توان به کتاب التوحید، کشف الشبهات، کتاب ثلاثه، کتاب مختصر الإنصاف و الشرح الکبیر، کتاب مختصر زاد الميعاد، کتاب القواعد الاربع، کتاب أصول الإیمان، کتاب فضل الإسلام، کتاب مسائل الجاهلیة السیره، کتاب الهدی النبوی، کتاب شروط الصلاة و أركانها، کتاب الكبائر کتاب تفسیر لبعض سوره القران و کتاب سنته مواضع من السیره رساله علی در الرافضة و... اشاره کرد.

او در کتابش به نام "رساله فی الدار علی الرافضة" می نویسد: « در این عبارت که من کنت مولاه دلالتی بر خلافت متصل امام علی علیه السلام نیست که اگر بود، حتماً

^۱ شعرانی، ابوالحسن، نثر طوبی، ذیل واژه حجت.

امیرالمومنین بر مبنای آن ادعا می‌کرد زیر را او داناتر بود حضرت ادعا نکرده است و اگر علم داشته و ادعای نکرده، نمی‌توان را به خاطر تقيه دانست بنابه این توضیح ابن تیمیه معتقد است که احتجاج نکردن امام علی علیه السلام در این عبارت پس از حادثه غدیر دلیلی است که این لفظ به معنای جانشینی و امامت حضرت نیست.^۱

۲. نظر تفتازانی در شبهه احتجاج امیرالمومنین علیه السلام:

سعدالدین مسعود بن عمر بن عبدالله هروی خراسانی تفتازانی مشهور به تفتازانی فقیه، متکلم، منطق‌دان و ادیب ایرانی در سده ۸ ق / ۱۴ م بوده است.^۲ از جمله استادان تفتازانی، قطب‌الدین رازی و قاضی عضدالدین ایجی را نام برده‌اند. گرچه برخی شاگردی او نزد عضدالدین ایجی را نپذیرفته‌اند. از میان شاگردان او نیز می‌توان به حسام‌الدین بن علی بن محمد ابیوردی صاحب کتاب «ربیع الجنان»، برهان‌الدین حیدر هروی، علاءالدین علی رومی، علاءالدین محمد بخاری و فتح‌الله شروانی اشاره کرد. بیشتر شهرت تفتازانی به سبب شرواحی است که بر آثار علمی مختلف نگاشته است و به لحاظ اهمیت خاص تاریخی، ارزشی کمتر از اثر مستقل نداشته‌اند. این آثار در دیگر مراکز علمی جهان اسلام نظیر قاهره مورد استقبال بود. همچنین آثار وی به شبه‌قاره هند و جنوب شرقی آسیا نیز راه یافت و بارها ترجمه و شرح شد و در محافل علمی آنجا رواج یافت.

^۱ عبدالوهاب، محمد بن عبدالله، رساله فی الرد علی الرافضه، ج ۱، ص ۷: و لیس فی قوله "من کنت مولاً" إن النص علی خلافته متصله، و لوکان نصلاً دعائها علی رضی الله عنه لأنه أعلم بالمراد، و دعوی ادعائها باطل ضروره و دعوی علمه یكون نصاً علی خلاصه و ترک ادعائها تقيه ابطال من أن یبطل. ما أقبح ملته ثوم یرمون إمامهم بالجبن و نحور و الضعف فی الدین مع أنه من أشجع الناس وأقواهم.

^۲ نویسندگان، دانشنامه جهان اسلام، ذیل عنوان تفتازانی.

علاوه بر این اهمیت تفتازانی به جز تألیف آثار متعدد در حوزه‌های منطق، کلام، فقه، اصول، بدیع، معانی و بیان، به جهت نقش درخور توجه او در حفظ میراث علمی گذشته است. ابن خلدون، دانشمند معاصر تفتازانی، پس از مشاهده آثار او در مصر، در مقدمه تاریخ خود از تفتازانی به عنوان یکی از بزرگان شهر هرات نام می‌برد که آثار او در شاخه‌های مختلف، نشان از احاطه او بر این علوم دارد.^۱

تفتازانی در کتاب شرح مقاصد خود به عدم احتجاج امیرالمومنین به حدیث غدیر اشاره کرده و معتقد است که اگر بر امت امیرالمومنین نص آشکاری وجود داشت مشهور می‌شد و آنان در تعیین جانشین پیامبر اختلاف نمی‌کردند. اینکه امیرالمومنین برای اثبات حق خودش به نصی تمسک نکرده است، نشان می‌دهد که نصی وجود ندارد و با این بیان عدم احتجاج امیرالمومنین به حدیث غدیر یا هر نصی دال بر ولایت ایشان را نشانه عدم وجود این دلایل می‌داند.^۲

رد شبهه عدم احتجاج امیرالمومنین به حدیث غدیر:

علیرغم ادعای شبهه‌کنندگان در احتجاج امیرالمومنین بررسی‌های تاریخی در کتاب‌های معتبر علمای شیعه و سنی نشان می‌دهد که امام علی علیه السلام در موارد متعدد و بطور

^۱بابک فرزانه - سارا حاجی حسینی - عطیه میرزایی، دایره المعارف بزرگ اسلامی، ذیل عنوان

تفتازانی

^۲التفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، ص ۲۵۸: الأول لو كان نص جای فی مثل هذا الأمر العلی لا شتهر و ظهر علی أجله الصحابه الذین لهم زیاده قرب و اختصاصی بالنبی (ص) فلم یتوقمو اعن الإذعان، ولم یترددوا حین اجتمعوا لها الشأن. ولم یختلفوا فی التعیین، ولم یشکوا فی الحق الیقین. والقول بأنهم متنزه بنضا أو عنا ولددا، الاعتماد لنسخه حین لم یعمل المحقون علی دفعه، و لم یتمسک لإثبات حقه افتراء واجتراء و طعن فی عظماء الأحياء، بل فی خیر النبیاء، بل فی کتاب المناطق لهم بالثناء.

مستمر از زمان رحلت پیامبر تا دوره خلافت هر سه خلیفه و حتی در دوران حکومت خویش به صدور حدیث غدیر و دلالت آن بر امامت خود احتجاج کرده و مردم را بر آن شاهد گرفته اند. این بخش از مقاله به ارائه برخی از نمونه های احتجاج حضرت در کتب معتبر می پردازد.

۱. احتجاج حضرت در مسجد مدینه بلافاصله پس از رحلت پیامبر ص

اولین باری که حضرت علی علیه السلام به حدیث غدیر احتجاج فرمود، بلافاصله پس از ارتحال پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود که در مناظره ای به عنوان مخالفت با بیعت با خلیفه اول، در مسجد پیامبر اکرم ص اتفاق افتاد. وقتی حضرت را برای بیعت به مسجد آوردند، آن بزرگان با بیان حقانیت خود خلافت مسکهن را از آن خویش دانست و از بیعت امتناع کرد بشیرین سعد انصاری برخاست و گفت: ای ابوالحسن، اگر انصار قبل از بیعت با ابوبکر این کلام را می شنیدند، حتی دو نفر درباره بیعت با شما اختلاف نمی کردند. حضرت در جواب فرمودهمگان را به خدا قسم، می دهم هر کس کلام پیامبر اکرم صلی الله و آله و سلم در روز غدیر خم را شنیده است که می فرمو: «هر کس که من مولای او هستم اینک علی مولای اوست خداوند، هر کس علی را دوست دارد دوست بدار و آنکه علی را دشمن بشمارد، دشمن دار، هر کس علی را یاری کند یاری کن، و هر که علی را خوار کند خوارساز بر خیزد و شهادت دهد.^۱

^{۱۱} طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۷۴: یا هؤلاء اکت ادع رسول الله مسجی لا اواریه و اخرج انازع فی سلطانه؟ و الله ما خفت احدا یسمو له و ینازعنا اهل البیت فیه و یستحل ما استحللتموه، و لا علمت ان رسول الله صلی الله علیه و آله ترک یوم غدیر خم لاحد حجه و لا لقائل مقالا. فانشد الله رجلا سمع النبی صلی الله علیه و اله یوم غدیر خم یقول: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه و انصر من نصره و اخذل من خذله» ان یشهد الان بما سمع.

۲. احتجاج حضرت در گفتگو با ابوبکر

پس از حادثه تلخ سقیفه خلیفه اول که در پی فرصتی بود تا از حضرت علی علیه السلام دلجویی کند، روزی نزد حضرت شتافت و به گفتگو با او پرداخت. حضرت امیرالمومنین علیه السلام در این مناظره پیوسته سوابق و امتیازات خود را بیان می‌داشت و خلیفه اول آن را تصدیق می‌کرد تا آن که حضرت به او فرمود تو را به خدا سوگند، آیا با استناد به حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر، من مولای تو و هر مسلمانی هستم یا تو؟ خلیفه اول جواب داد: شما هستید. این مناظره تا آنجا ادامه یافت که ابوبکر منقلب شد و گریست و از حضرت مهلت خواست تا درباره گفتارش بیشتر بیندیشد.^۱

۳. احتجاج در شورای شش نفره

در شورای شش نفر منتخب خلیفه دوم برای تعیین خلیفه، که امیرالمومنین علیه السلام نیز در شمار آنان جای داشت، استدلال‌های فراوانی از حضرت نقل شده که در کتاب‌های تاریخ و حدیث به «حدیث الانشار» یا «حدیث المناشده» معروفی است. امام علی علیه السلام در یک از استدلال‌های خود به حدیث غدیر خم استناد کرده است این سخنان که حدیث انشاد شدت دارد، متواتر است و اهل سنت و شیعه نقل کرده‌اند در این حدیث حضرت برای اتمام حجت بیش از ۱۹۰ امتیاز و فضیلت اختصاصی خود، را بیان داشت و جانشینی خویش را اثبات کرد.

این مغالزی شافعی، در کتاب المناقب، (و دیگر بزرگان اهل سنت) سخن علی علیه السلام راه چنین نقل می‌کند شما را به خدا سوگند می‌دهم در جمع شما غیر از من کسی هست

^۱ ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، ج ۲، ص ۵۵۰. فال اکبر انشدک یا الله اما المولی لک ولکل مسلم بحدیث النبی (ص) یوم الغدیر أم أنت؟ فال بل أنت.

که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم درباره او فرموده باشد: هرکس من مولای او هستم علی مولای اوست خدایا دوستدارش را دوست بدار و دشمنش را دشمن بشمارد، حاضران باید این مطلب را به غایبان برسانند؟ اعضای شورا گفتند به خدا سوگند، نه.^۱

۴. احتجاج حضرت در خطبه وسیله

حضرت علی علیه السلامه هفت روز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم وقتی از جمع آوری قرآن فارغ شد. به میان مردم رفت خود خواند و پس از مدح خدا رسول خدا و بیان طریق نجات چنین فرمود صریح‌ترین کلام رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در معرفی من به جانشینی خود هنگامی بود که آن حضرت شنیدند عده‌ای در مجالس و محافل خود زمزمه می‌کنند که ما جانشینان آن حضرت هستیم و بعد از ایشان زمداری امت را بر عهده خواهیم گرفت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با شنیدن آن زمزمه‌ها و سخنان به سفر حج که و افسین حج او بود، تشریف برد و بعد از پایان مراسم حج، هنگامی بازگشت در غدیر خم دستور داد شبه منبری برایش آمده کردند آنگاه بر منبر فراز آمد و بازوی مرا گرفت و بلند کردند. بدانسان که زیر بغلش نمودار شد. و با صدای بلند و رسا در میان انبوه جمعیت فرمود: هرکه من سرور و مولایش هستم علی سرور و مولای او است. خدایا دوست بدار هر که دوستش دارد و دشمن بدار هرکه

^۱ ابن المغزلی، مناقب امیرالمومنین علی بن ابی طالب، ج ۱، ص ۱۳۸: : فانشدکم بالله، هل فیکم احد قال له رسول ص من کنت مولاه فعلی مولاه، اللهم وال من والاه و عاد من عادا، لیبلغ الشاهد منکم الغائب، غیری؟ قالو اللهم لا.

دشمنش دارد با این کلام صریح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پذیرش ولایت من عین ولایت الهی شد.^۱

۵. احتجاج زمان خلافت عثمان در مسجد النبی

در روزگار عثمان، مجلس در مسجد النبی بر گذار شد که بیش از دویست تن از شخصیت‌های برجسته مهاجر و انصار در آن حضور داشتند. این جلسه در پی اعتراضات مردم به حکومت عثمانی برپا شده بود در این جلسه پیرامون فضایل و سوابق قریش و انصار سخن می‌گفتند و از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره قریش انصار بهره می‌جستند حضرت علی علیه السلام نیز در این مجلس حضور داشت و به سخنان آنان گوش می‌داد گروهی از حضرت خواستند که او نیز سخنی بگوید حضرت پاره‌ای از سوابق و مناقبش را برشمرد و حاضران بر درستی گفتارش گواهی دادند آنگاه امام به حدیث غدیر اشاره کرد و فرمود آیا قبول دارید که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم مرا خواست ولایتم را به مردم ابلاغ کرد و فرمود حاضران باید این مطلب را غایبان برسانند؟ حاضران گفتند: آری..^۲

۶. احتجاج با طلحه

اکلینی، محمد بن یعقوب، ج ۸، ص ۲۷: و قوله (ص) حین تکلمت طائفه فقالت: تحت موالی رسول الله (ص) فخرج رسول الله (ص) الی حجه الوداع ثم صادر الی غدیر خم، فامر فاصلاح له شبه المنبر ثم علاه و اخذ بعقدی حتی رئی بیاض ابیطیه را فعاصوته قائلاً فی محفله من کنت مولاه فعلی مولاه اللهم وال من والاه و عاد من عاداه فکانت علی ولایتی ولایه الله و علی عداوتی عداوه الله وانزل الله عزوجل فی ذالک الیوم: الیوم اکملت لکن دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لکم الاسلام دیناً فکانت ولایتی کمال الدین و رضا الرب حل ذکره.

^۲ الانصاری، محمد باقر، کتاب سلیم بن فیس، ج ۱، ص ۱۹۵: افترون آن رسول الله (ص) دعانی یوم غدیر خم فنادی لی بالولایه ثم قال: لیبلغ الشاهد منکم الغائب؟ قالوا: اللهم نعم.

در همین احتجاج طلحه بین عبدالله با اعتراف به افتخارات و فضایل امام علی علیه السلام و اقرار به جریان غدیر، حدیثی را که ابوبکر و عمر مدعی بودند از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده، مطرح کرد و گفتند: با آنچه ابوبکر مدعی است و یارانش او را تصدیق می کنند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیده است خداوند خلافت و نبوت را در اهل بیت جمع نمی کنند چه کنیم؟ حرف های آنان درست است، لکن در مقابل، عده های (چهار نفر: عمر، ابوعبیده، سالم و معاذ) به گونه دیگری بر مسئله خلافت شهادت می دهند امام علیه السلام با باطل خواندان شهادت آنان، گفتارشان را تکذیب و با استناد به غدیر می فرماید:

« و چه گفتمی ای طلحه: فرموده پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر خم: «هر کس بر او از خود او حقش بیشتر باشد بر او از خود او بیشتر است» چگونه بر آنان از خودشان سزاوتر باشم در حالی که بر من فرمانروا و فرمانروا نید؟»^۱

۷. احتجاج حضرت پیش از جنگ جمل

قبل از شروع جنگ جمل حضرت برای اتمام حجتی دیگر به طلحه پیام داد تا با او دیدار کند طلحه نیز پذیرفت و به حضور امیرالمومنین شتافت به وی فرمود: «تو را به خدا سوگند می دهم آیا شنیده ای که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرمود: «هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست، خدایا هر کس او را دوست دارد دوست

^۱طبرسی أبو منصور، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۵: و ما قلت یا طلحه: قول نبی الله یوم غدیر خم «من كنت أولى به من نفسه فعلى أولى به من نفسه» فكيف اكون أولى بهم من أنفسهم و هم امراء على و حکام؟.

بدار و هر کس او را دشمنی می‌کند دشمن.» طلحه گفت: آری شنیده‌ام حضرت فرمود پس چرا با من می‌جنگی؟ طلحه جواب داد فراموش کرده بودم.^۱

۸. احتجاج حضرت بعد از جنگ جمل در کوفه

امام در سخنرانی خود بعد از جنگ جمل در کوفه و در اعتراض به معاویه بر خلافت خود تاکهد ورزید و در کنار استناد به بیعت مردم مسئله خلافت انتصابی خویش در غدیر خم را یاد آور شد..

امام در این خطبه فرمود: «امام علی علیه السلام فرمود به درستی که خداوند ذوالجلال والاکرام وقتی خلق را آفرید و گروهی از آنان را انتخاب نمود رسولانی را ارسال فرمود و بر او کتاب خود را فرستاد و قوانین دینی و فرایض را معین نمود همه کلام الهی در این آیه جمع شد که اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم.

این آیه فقط مخصوص ما اهل بیت است نه غیر ما ولی شما به گذشتگان خود را زیر پا نهدید و این کار هیچ زیانی به خداوند نرساند با این که خداوند فرموده بود که آن را به خدا و رسول و صاحبان امر و بازگردانده و واگذار نمایید همان‌ها که حقیقت را می‌فهمند، پس ابتدا اعتراف نمودید و پس از آن این کار کردید، با اینکه خداوند بر ایشان فرموده أوفوا بعهدی أوف بعهدکم و ایای فارهبون. ولی حسد ورزیده و این آیه نازل شد که ام یحسدون الناس ما آتاهم الله من فضله فقد آتینا آل ابراهیم الكتاب والحکمه و آتینا هم ملکا عظیما فمنهم من آمن به و منهم من صد عنه و کفی بجهنم سعیراً. پس آل ابراهیم ما هستیم که مورد حسد واقع شدیم همان طور که پدران ما مورد حسد واقع شدند و نخستین

^۱ - الخوارزمی، الموفق بن احمد، المناقب، ج ۱، ص ۱۸۳: نشد تک الله هل سمعت رسول(ص) يقول من کنت مولاة فعلى مولاة اللهم وال من والاه و عاد من عاداه قال علیه السلام فلم تقاتلنی؟ قال لم اذکر.

فردی که حسادت شد حضرت آدم بود که خداوند او را با دست قدرت خود آفریده و از روح خود در کالبد او دمید و ملائکه را به سجده او داشت و تمام اسما و نام‌ها را به او آموخت و او را بر جهانیان برگزید پس شیطان به او حسادت برده و از خاسران گردید. سپس قاییل بر هابیل حسادت نمود و دست خود به قتل او آلوده ساخته و از جمله زیانکاران شد و حضرت نوح مورد حسد قوم خود قرار گرفت که گفتند: ما هذا إلا بشر مثلكم يأكل ممّا تاكلون منه و يشرب ممّا تشربون ولئن اطعتم بشراً مثلكم إنکم إذا لخاسرون. و انتخاب فرد برگزیده با خدا است. هر که بخواهد برگزیند و مخصوص رحمت خود نموده و حکمت و علم را به هر که خواهد.

سپس بر پیامبر ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم حسد ورزیدن بدانند که ما آن اهل بیتی هستیم که خداوند رجس پلیدی را از ما دور ساخته و ما بیم آن جماعتی که همچون پدر انمان مورد حسد واقع شدیم، خداوند در این آیه می‌فرماید: آن اولی الناس بابراهیم الذین اتبعوه وهذا النبی و نیز فرمود و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله پس ماییم شایسته ترین مردم به حضرت ابراهیم و ماییم وارث و رحم و خانواده او که وارث کعبه شدیم و ماییم آل ابراهیم، ایا شما از آیین ابراهیم برمی‌گردید با اینکه در قرآن می‌فرماید: فمن تبعنی فإنه منی .

اقوم من شما را به سوی خدا و رسول او قرآن و ولی امر او می‌خوانم شما را به سوی وصی و وارث پس از او دعوت می‌کنم پس ما را اجابت کنید و از آل ابراهیم پیروی نموده و به ما اقتد کنید، زیر را رعایت آن در حق ما آل ابراهیم بر همه فرض و واجب است و قلوب همه مردم مایل به ما است و این همان دعای ابراهیم علیه السلام است که عرض نمود فاجعل أفئدة من الناس تهدي إليهم. آیا از ناحیه ما به شما هیچ گونه بدی رسیده جز اینکه به خداوند و آنچه فرو فرستاده ایمان آوردیم پس از تفرقه پرهیزید که

گمراه شوید و خداوند خود بر شما شاهد است که من شما را انذار نموده و ترساندم و شما را به سوی حق خوانده و ارشاد نمودم دیگر خود می دانید و اختیار خود.»^۱

الطبرسی، ابومنصور، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۶۰، ناشر-نشر مرتضی، مکان چاپ-مشهد: احتجاجة علی النالین بیعتہ فی خطبہ خطبہا حین نکتوها. فقال: ان الله ذالجلال و الاکرام لما خلق الخلق اختار خیرة من خلقه واصطفی صفوةً من عباده وارسل رسولا منهم و انزل علیه کتابه و شرع له دین و فرض فرائضه فكانت الجملة قول الله عزوجل ذکره حيث أمر فقال اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی امر منکم فهولنا اهل اللبیت خاصةً دون غیر ناف انقلبتم علی أقابکم و ارتددتم و نقضتم الامر و نکتم العهد و لم تضروا الله شیئاً و قد أمرکم الله أن ترد و الامر الی الله و الی رسوله و الی اولی منکم المستنبطین للعلم فأقررتم ثم جحدتم و قد قال الله لکم أوفوا بعهدی أوف بهدکم و إیای فارهبون إن اهل کتاب والحکمته والایمان آل ابراهیم (ع) بینة الله لهم محسدوا فأنزل الله جل ذکره ام یحسدون الناس علی ما اتاهم الله من فضله فقد آتینا آل ابراهیم الکتاب والحکمة و اتیناهم ملکا عظیماً فمنهم من آمن به ومنهم من صد عنه وکفی بجهنم سعیراً.

فنحن آل ابراهیم فقد حسدنا کما حسد اباؤنا و اول من من حسد آدم الذین خلقه الله عزوجل بیده و نفخ فیہ من روحه و أوسجد له ملائکته و علمه الاسماء کلها واصطفاه علی العالمین محسده الشیطان فكان من الخاسرین و نوح حسده قومه فقالوا ما هذا الا بسر مثلکم یأکل ممّا تاكلون منه و یشرب ممّا تشربون و لئن اطعتم بشرأ مثلکم إنکم إذا الخاسرین والله الخیرة یختار من یشاء و یختص برحمه من یشاء و یؤتی الحکمه والعلم من یشاء ثم حسدوا نبینا محمداً(ص) ألا ونحن اهل آل بیت الذین أذهب الله عنهم الرجس و نحن المسودون کما حسد اباؤنا قال الله عزوجل إن اولی الناس با ابراهیم الذین اتبعوه و هذا النبی و قال الله و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی کتاب الله فنحن اولی الناس بابراهم و نحن و رثناه و نحن اولوا الارحام الذین ورثنا الکعبه و نحن آل ابراهیم أفرغبون عن مله ابراهیم و قد قال الله تعالی فمن تبعنی فإنه منی یا قوم ادعواکم الی الله و الی رسوله و الی کتابه و الی امره و الی وصیه و وارثه من بعد فاستجیبوا لنا و اتبعوا آل ابراهیم واقصد و ابنا فان ذالک لنا آل ابراهیم فرضاً واجباً و الا فئدة من الناس تهديا السینا تهدي إلیهم فهل نعمتم منا إلا أن آمنا بالله و ما انزل علینا ولا تتفرقوا افتضلوا والله شهید علیکم قد أنذرتکم و دعوتکم و ارشد تکم ثم أنتم وما تختارون.

۹. احتجاج حضرت در مسجد کوفه

حضرت علی علیه السلام بارها در مسجد کوفه نیز به واقعه غدیر و سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در آن روز تمسک جست زید بن ارقم چنین نقل می‌کند: «علی علیه السلام مردم را در مسجد سوگندت و فرمود: به خدا سوگند می‌دهم هرکه گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را شنید که فرمود هرکه من مولا و فرمانروای اویم علی مولای اوست خدایا هرکه او را دوست دارد دوست بدار و هرکه او را دشمن دارد دشمن بدار برخیزد و گواهی دهد پس ۱۲ تن از اهل بدر شش تن از سمت راست و شش تن از سمت چپ برخاستند و بدان گواهی دادند من نیز از کسانی بودم که این سخن را از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم شنیده بودم ولی آن روز از گواهی خودداری کردم و خداوند بینایی را از من گرفت.»^۱

۱۰. احتجاج حضرت پس از جنگ نهروان

پس از جنگ نهروان امیر مومنان علی بن ابیطالب علیه السلام نامه ای خطاب شیعیان خود نوشت و ۱۰ نفر از بزرگان کوفه را که مورد اعتماد بودند، مامور کرد تا هر جمعه در حضور آنها این نامه برای مردم قرائت شود. حضرت در بخشی از این نامه بر حق ولایت خود استدلال می‌کند و می‌فرماید: «دلیل من بر اینکه من ولی عمرم نه سایر قریش این از که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: ولایت برای کسی از که آزاد کرده است: و چون رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مردم را از قید بندگی و آتش جهنم آزاد کرد

^۱ ابن المغزلی، مناقب امیرالمومنین علی بن ابی طالب، ج ۱، ص ۷۴: نشد علی (ع) الناس فی المسجد فقال انشد الله رجالا سمع النبی (ص) يقول من كنت مولا فعلى مولا اللهم وال من والاه و عاد من عاداه فقام اثناعشر بدر یا سته من الجانب الايمن و سته من الجانب الايسر، فشهدوا بذالك و كنت أنا فیمن سمع ذالك فكتمه فذهب الله ببصری.

پس بر امت ولایت دارد. بعد از آن حضرت همام ولایت او از آن من است؛ زیر را هر فضیلتی که قریش بر سایر امت دارد به سبب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است (با توجه به این معار) بنی هاشم بر قریش فضیلتی آشکارتر دارد و من همان فضیلت را بر بنی هاشم دارم زیر را رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در روز غدیر فرمود: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه» مگر آنکه قریش ادعا کند به دلیلی جز اتساب به پیامبر بر عرب برتری دارد، پس اگر می‌خواهند چنین بگویند، بگویند.»^۱

۱۱. احتجاج مکرر حضرت در مسجد کوفه

حضرت امیرالمومنین علیه السلام بارها در مسجد کوفه سخنرانی فرمود و از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله درباره حدیث غدیر شهادت گرفت تا فسیری صحیح و غیر قابل انکار از این واقعه ارائه دهد و فرمود که، هر کس در غدیر خم حضور داشته حدیث غدیر را از زبان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم شنیده است برخیزد و شهادت دهد. هر بار حضرت چنین خواسته‌ای را بیان کرده، جمعی از بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اجابت کرده، شهادت دادند که مادر غدیر خم این سخن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شنیده‌ایم.

احمد بن حنبل در مسند خود داستان یکه از گواه جویی‌های حضرت را چنین نقل می‌کند: علی رضی الله عنه مردم را در رجب (یکه از میادین کوفه) گرد آورد و فرمود: به

^۱سید بن طاووس، کشف المحججه ثمره المحججه، ج ۱، ص ۱۷۸: و انما حجتی آنی هذا الامر من دون قریش، آن نبی الله (ص) قال الولاء لمن اعتق فجاء رسول (ص) بعثت، الرقاب من النار و اعتقها من الرق، فکان للنبی (ص) ولاء هذا الامه وکان لی بعده ما کان له فما جاز لقریش من فضلها علیها بالنبی (ص) جاز ابنی هاشم علی قریش و جاز لی بنی هاشم یقول النبی (ص) یوم الغدیر خم من کنت مولاه فعلی مولاه.

خدا سوگند می‌دهم هر مسلمانی که در روز غدیر خم گفتار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را شنیده است برخیزد و شهادت دهد.

احمد بن حنبل می‌افزاید: به گفته ابی الطفیل سی تن از مردم برخاستند ولی ابو نعیم نقل می‌کند که بسیاری از مردم برخاسته، شهادت دادند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در غدیر خم در حالی که دست حضرت امیرالمومنین علیه السلام را گرفته بود مشاهده کردند که می‌فرمود: «آیا می‌دانید که من به مومنین از خود آنان سزاوترم؟» مردم در جواب عرضه داشتند؛ آری چنین است، ای رسول خدا. انگاه فرمود: «هر کس من مولای او هستم علی مولای اوست خدایا دوست دار او را دوست بدار و با دشمن او دشمن باش» ابی طفیل که راوی این حدیث است می‌گوید: من از جمع مردم خارج شدم در حالی که پذیرش این حدیث برایم مشکل بود و در تردید به سر می‌بردم، به ملاقات زد بن ارقم رفتم و آنچه از علی علیه السلام در آن روز دیده و شنیده بودم با او در میان گذاشتم زد بن ارقم گفت: هر مسلمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در روز غدیر خم شنیده است سوگند می‌دهم.^۱

۱۲. احتجاج حضرت در نامه به عبدالله بن ابی رافع (خطاب به مردم)

در پاسخ به شبهاتی که معاویه درباره حقانیت حضرت امیرالمومنین علیه السلام می‌پراکند آن حضرت در نامه‌ای به واقعه غدیر تمسک جست و به عبدالله بن علی رافع

^۱ القندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوالقربی، ج ۱، ص ۱۰۶: انشد الله کل امری، مسلم سمع رسول(ص) یقول یوم غدیر خم ما سمع لما قام.

دستور داد آن را هر جمعه برای مردم بخواند آن بزرگوار همچنین ۱۰ نفر را معین کرد تا به پرسش‌های مردم درباره مضمون نامه پاسخ گویند.^۱

۱۳. احتجاج هنگام آماده‌سازی نیرو برای برخورد با لشکر شام

وقتی امام از اطاعت وفاداری معاویه نسبت به حکومت اسلامی ناامید شد، لازم دید با آمده سازی نیرو و تجهیز مردان جنگی با شام رو به‌رو شود به همین منظور در یکی از سخنان خود در جمع مردم، آنان را به استقامت وفاداری دعوت کرد و با اشاره به ماجرای بیعتشان با خود، پایداری شان را در همراهی با حکومت و جنگ با معاویه خواستار شد. ایشان بعد از مقایسه بیعت خودشان با بیعت با خلفای دیگر بر لزوم وفاداری مردم تأکید و با اشاره به حدیث غدیر به عنوان سند حقانیت خلافتش، در پایان مردم را به برخورد با معاویه تشویق می‌کند. ایشان می‌فرماید: « شگفت از معاویه بن ابی سفیان! بر سر خلافت با من می‌جنگد و امامت مرا انکار می‌کند و می‌پندارد که از من بدان سزاورتر است: (و این) تنها از سر گستاخی بر خدا و پیامبر اوست، بی آنکه حق و حجتی در آن داشته باشد، نه مهاجران با او بیعت کردند و نائصار، مسلمانان تسلیم اویند. معاویه با یارانش به چی خیال در بیعت من خدشه دارند؟ و چرا به بی عجم گردن نهادند وفا نکردند، در حالی که من در خویش (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) و سابقه (در اسلام) و دامادی، از پیشینیان خود به خلافت

^۱سید بن طاووس، کشف المحجبه الثمره المهجه، ج ۱، ص ۲۴۶: فما جاز لقریش من فضلها علیها بالنبی جاز البنی هاشم علی قریش و جاز لی علی بنی هاشم، یقول النبی (ص) یوم الغدیر خم من کنت مولاہ فهذا علی مولاہ الا آن تدعی قریش فضلها علی العرب بغیر النبی (ص) فان شاءوا فلیقولوا ذلک.

سزاورترم؟ آیا گفته پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در روز غدیر برای ولایت و دوستی من نشیندید؟ پس ای مسلمانان! از خدا پروا کنید»^۱.

۱۴. احتجاج حضرت در جنگ صفین

در جنگ صفین هنگامی که فرستاده‌های معاویه به حضور امیرالمومنین علیه السلام رسیدند تا به اصطلاح بین حضرت و معاویه صلح برقرار رساندند حضرت خطبه‌ای ایراد کرد و فرمود: « شما را به خدا سوگند می‌دهم درباره این آیات مومنان از خدا و پیامبر و صاحبان امر خود پیروی کنید. صاحب اختیار با ولی شما خدا او پیامبرش و کسی از که نماز را به پا داشته و در حال رکوع زکات می‌دهد و غیر از خدا پیامبر و مومنان را دوست صمیمی به شمار نیاوردید.

مردم از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سوال کردند: آیا مراد از مومنان در این آیات بعضی از آنهاست یا همه آنان را شامل می‌شود؟ خداوند به پیامبرش دستور داد تا به آن بفهماند که این آیات درباره چه کسی نازل شده است و ولایت را برای آنها تفسیر کند چنان که نماز، روزه، زکات و حج را تفسیر کرد پیامبر اکرم صلی الله

الطبرسی، ابو منصور، الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۷۲: فالعجب من معاویه بن ابی سفیان ینازعنی الخلاقه و یحجد لی المامه و یزعم أنه الحق بها منی جرأه منه علی الله و علی رسوله الله (ص) بغیر حق له فیها و لا حجه و لم یبایعه المهاجرون ولا سلم له لانصاز و المسلمون یا معشر المهاجرون و الانصار و جماعه من سمع کلامی أما أوجبت لی علی أنفسکم اطاعه؟ أما یعتمون علی الرغبه أما اخذت علیکم العهد بالقول لقولی؟ اما بیعتی لکم یومئذ تو کد من بیعه اُبی بکر و عمر فما بال من خالفتی لم ینقص علیهما حتی مضیا و نقض علی و لم یف لی أما یجب علیکم نصیحی و یلزمکم امری اما تعلمون أن بیعتی یلزم الشاهد منکم والغائب فما بال معاویه و أصحابه طاغون فی بیعتی و لم، لم یفوا لی و أنا فی قرابتی و سابقیتی و صهری اولی بالامر ممن تقد منی أما سمعتم قول رسول الله یوم الغدیر فی ولایتی و موالاتی فاتقوا الله ایها المسلمون.

علیه و آله و سلم برای امتصال امر خدا در غدیر خم مرا به خلافت منصوب کرد و فرمود « خداوند مرا به رسالتی فرستاده از که سینه‌ام از آن به فشار او مده گمان می‌کنم مردم مرا تکذیب خواهند کرد؛ خداوند مرا تهدید کرد و فرمود: این پیام را برسانم وگرنه مرا عذاب می‌کند ای علی برخیز» سپس مردم را برای نماز جماعت فراخواند و نماز ظهر را با آنان خواند و فرمود: مردم خداوند مولای من است من مولای مومنینم و اختیارم بر مومنین از خود آنان بیشتر است. بدانید هرکه من مولای او هستم علی مولای اوست خداوند هرکه علی را دوست دارد دوست بدار و آن که علی را دشمن دارد دشمن بدار هر کسی علی را یاری کند یاری کن و هر کس علی را یاری نکند خوار کن. در اینجا سلمان فارسی برخاست و گفت یا رسول الله ولایت و اختیار او بر مردم چگونه است؟ حضرت فرمود: اختیارات او مانند اختیارات من است هر کس اختیار من به او از خود او بیشتر بوده، علی هم اختیارش بر او از خودش بیشتر است، و خداوند تبارک و تعالی این آیه را نازل فرمود: امروز دین شما را کامل کردم نعمتم را بر شما تمام کردم و راضی شدم که اسلام دین شما باشد..^۱

الأُمینی، عبدالحسین، الغدیر فی الکتاب و السنه و لأدب، ج ۱، ص ۱۹۶: انشدکم الله فی قول الله: (یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله واطیعوا الرسول واولی الامر منکم) و قوله: (انما ولیکم الله ورسوله والذین امنوا الذین یتقون الصلاه و یؤتون الزکاه و هم راکعون) ثم قال: (فقال الناس یا رسول الله اخاص لبعض المؤمنین ام عام لجمیعهم؟ فامر الله عز وجل رسوله ان یعلمهم فی من نزلت الایات وایه یفسر لهم من الولاية ما فسر لهم من صلاتهم و صیامهم و زکاتهم و حججهم فنصبنی بغدیری خم و قال: ان الله ارسلنی برسالة ضاق بها او یعذبنی قم یا علی ثم نادى بالصلاه جامعه فصلی بهم الظهر ثم قال ایها الناس ان الله مولای وانا مولی المؤمنین واولی بهم من انفسهم، الا من کنت مولاه فعلى مولاه اللهم والى من وله وعاذ من عاداه و نصر من نصره و اخذل من خذله فقام الیه سلمان الفارسی فقال یا رسول الله

۱۵. روایت هفتاد فضیلت مخصوص امام علی علیه السلام

امیر مومنان علی علیه السلام در روایاتی طولانی هفتاد فضیلت ویژه خود را بیان کرده در ضمن آنها از حادثه غدیر خم نیز سخن گفته است. این روایات را شیخ صدوق رحمت الله علیه در جلد دوم کتاب خصال آورده است. ایشان در فضیلت ۵۱ به صدور حدیث غدیر در شأن خودشان اشاره دارند و می فرمایند: ^۱

ترجمه: - و اما پنجاه و یکم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم مرا برای همه مردم در روز غدیر خم قرار داد و فرمود: هر که من مولای او هستم علی مولای اوست.

نتیجه گیری:

براساس آنچه گذشت منابع معتبر از علمای شیعه و سنی نشان می دهد که علیرغم ادعای کسانی مانند محمدبن عبدالوهاب و تفتازانی که عدم احتجاج امیرالمومنین به حدیث غدیر را نشانه دلالت نکردن این حدیث بر ولایت و امامت ایشان دانسته اند، امام علی علیه السلام از آغازین روزهای خلافت ابوبکر در کنار شمردن امتیازاتی که ایشان را مستحق خلافت می کرد با مساله غدیر استدلال و استشهاد نموده اند. این کار امام هم در مواجهه با ابوبکر و هم پس از او در عصر دیگر خلفا و حتی پس از به دست گرفتن خلافت ادامه داشت. تاریخ به احتجاجات حضرت در مواضع مختلف بر وقوع غدیر و انتخاب خود توسط پیامبر صلی الله علیه برای احراز مقام خلافت اسلامی احتجاج و استدلال می کرد.

ولا ۴ به من نفسه وانزل الله تبارک وتعالی لالیوم اکملت لکم دینکم واتممت علیکم نعمتی ورضیت لکم الاسلام دینا.

^۱ ابن بابویه، محمدبن علی، الخصال، ج ۲، ص ۵۷۸: و أما الحادیة والخمسون فان رسول الله افامنی للناس كافة يوم غدیر خم فقال من کنت مولاه فعلی مولاه فبعدا و سحقا للقوم الظالمین.

احتجاج حضرت در جنگ صفین، در زمان آماده‌سازی نیرو برای بر خورد با لشکر شام، احتجاج حضرت در متن نامه به عبدالله بن ابی رافع، احتجاجات مکرر حضرت در مسجد کوفه، احتجاج حضرت پس از جنگ نهران، قبل و بعد از جنگ جمل، احتجاج با طلحه، احتجاج حضرت در خطبه وسیله و احتجاج در شورای شش نفره از جمله دلایل تاریخی معتبر بر احتجاج امیرالمومنین می باشد که با وجود آنها ادعای عدم احتجاج امیرالمومنین به حدیث غدیر، قابل پذیرش نیست.

منابع:

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تصحیح علی اکبر غفاری، ناشر جامعه مدرسین قم ۱۳۶۲، چاپ اول.
۲. ابن عبدالوهاب، محمد، رساله فی الرد علی الرافضه، المحقق: ناصر بن سعد الرشید، الناشر: جامعه الإمام محمد بن سعود، الرياض، المملكة العربیة السعودیة.
۳. ابن طاووس، ابی قاسم علی بن موسی، كشف المحججه ثمره المحججه، نجف، منشورات مطبعة الحیدریه، ۱۳۷۰.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، الناشر: دار صادر، بیروت، الطبعة: الثالثة - ۱۴۱۴ هـ
۵. الأمینی، عبدالحسین، الغدیر فی الكتاب و السنه و الأدب، قم: مرکز الغدیر للدراسات الاسلامیه، ۱۴۱۶ ق.
۶. الانصاری، محمد باقر، کتاب سلیم بن قیس، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۶.
۷. التفتازانی، سعدالدین، شرح المقاصد، ناشر: الشریف الرضی، افسر قم، سال چاپ: ۱۴۰۹ ق.

۸. الخوارزمی، الموفق بن احمد، المناقب، محقق: شیخ المالک المحمودی، مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۲، ۱۴۱۱ق
۹. شعرانی، ابوالحسن، نثر طوبی یادایر المعارف لغات قرآن مجید، تهران، دارالکتب الاسلامی، ۱۳۸۰.
۱۰. فرزانه، بابک، سارا حاجی حسینی، عطیه میرزایی، دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز نشر پژوهش های ایرانی اسلامی، بی جا، بی تا.
۱۱. فیروز آبادی، مجدالدین، کتاب القاموس المحيط، تحقیق: مکتب تحقیق التراث فی مؤسسه الرساله ی اشرف: محمد نعیم العرقسوسی، الناشر: مؤسسه الرساله للطباعة والنشر والتوزیع، بیروت - لبنان الطبعة: الثامنة، ۱۴۲۶ هـ - ۲۰۰۵ م.
۱۲. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده لذوالقربی، دارالاسوه للطباعة والنشر المطبعه: اسوه.
۱۳. طبرسی، أبو منصور، الاحتجاج، مشهد، نشر مرتضی، نوبت چاپ اول، ۱۴۰۳ق.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الروضه کافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر الغفاری، تهران دارالکتب السلامیه. چ ۴، ۱۳۶۲.
۱۵. نویسندگان، دانشنامه جهان اسلام، تحت اشرف غلامعلی حدادعادل، تهران، نشر بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۸ ش.